

بررسی تأثیر آزادسازی تجاری و وضعیت فضای کسب و کار بر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بین کشورهای منطقه آسیای جنوب غربی در بازه زمانی ۲۰۰۴ تا ۲۰۱۲

مهسا قندهاری^۱، سعید اکبریانی^۲، سونیا حبیبی راد^۳، رضا عباچیان قاسمی^۴، احمدرضا محمدی^۵

چکیده: مقاله حاضر به بررسی تأثیر آزادسازی تجاری و وضعیت فضای کسب و کار بر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بین ۲۳ کشور منطقه آسیای جنوب غربی در بازه زمانی ۲۰۰۴ تا ۲۰۱۲ می‌پردازد. رویکرد پژوهش اقتصادسنجی است و از تحلیل رگرسیون تعمیم‌یافته داده‌های پانل آزمون تأثیر متغیرهای مد نظر بهره برده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد آزادسازی تجاری به صورت مستقیم بر سرمایه‌گذاری خارجی تأثیر می‌گذارد. در بین شاخص‌های فضای کسب و کار نیز هزینه‌های دریافت مجوز ساخت‌وساز، اجرایی‌شدن قراردادهای دریافت نیروی برق، هزینه‌های شروع کسب و کار جدید، زمان لازم برای صادرات، زمان لازم برای واردات و هزینه‌های آماده‌سازی و پرداخت مالیات، از معناداری کافی برخوردارند. متغیرهای زمان لازم برای واردات و زمان لازم برای صادرات، بیشترین سهم را در پیش‌بینی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به خود اختصاص داده‌اند. با توجه به یافته‌های پژوهش حاضر، ارائه مدل مناسب خط‌مشی‌گذاری ملی که در آن نهادهای متولی دارای همگرایی باشند، برای پیشبرد سیاست‌های آزادسازی تجاری و بهبود فضای کسب و کار، موضوعی ضروری به‌شمار می‌رود.

واژه‌های کلیدی: آزادسازی تجاری، داده‌های پانل، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، فضای کسب و کار.

۱. دانشیار دانشکده اقتصاد و علوم اداری دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

۲. دانشجوی دکتری منابع انسانی، پردیس دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

۳. کارشناس ارشد MBA گرایش مدیریت تکنولوژی، پردیس کیش دانشگاه تهران، کیش، ایران

۴. دانشجوی دکتری مدیریت منابع انسانی، پردیس دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

۵. کارشناس ارشد مدیریت صنعتی، مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی، تهران، ایران

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۳/۰۶/۱۰

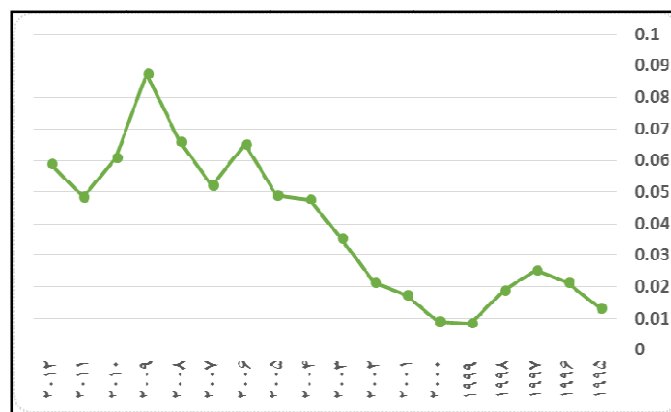
تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۱۳۹۳/۱۰/۱۵

نویسنده مسئول مقاله: سعید اکبریانی

E-mail: akbariani_s@yahoo.com

مقدمه

در نگاهی نوین به سیاست‌گذاری بازرگانی، دولت‌ها از طریق ایجاد فضای کسب‌وکار مناسب و بهبود وضعیت تجاری، برای دستیابی به رونق اقتصادی در سطح ملی، موقعیت مناسبی را برای فعالان اقتصادی و کارآفرینان ایجاد می‌کنند. بر اساس چشم‌انداز ۱۴۰۴ کشور، جمهوری اسلامی ایران باید تا ده سال آینده بین کشورهای منطقه آسیای جنوب غربی در زمینه اقتصادی در رتبه اول قرار گیرد. میزان نزدیک‌شدن به این نقطه مطلوب را می‌توان از طریق شاخص‌های بین‌المللی موجود ارزیابی کرد. اندازه سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، یکی از مهم‌ترین این شاخص‌ها است. از آنجا که سرمایه‌گذاری مهم‌ترین محرک رشد اقتصادی در کشورهای مختلف است، طی چند سال اخیر، سیاست‌گذاران حوزه تجارت و اقتصاد بر اهمیت جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی تأکید کرده‌اند. با نگاهی به آمار موجود، درمی‌یابیم کشورهای رقیب ایران در چشم‌انداز بیست‌ساله، طی بیست سال اخیر توانسته‌اند موفقیت‌های زیادی در زمینه جذب سرمایه‌های خارجی کسب کنند. در سال ۱۹۹۵ نسبت جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی میان کشورهای آسیای جنوب غربی به کل کشورهای جهان، ۱/۳ درصد بوده است، اما این کشورها تا سال ۲۰۱۲ رشد چشمگیری در جذب سرمایه‌گذاری خارجی داشته‌اند و توانسته‌اند ۵/۸ درصد از کل سرمایه مستقیم خارجی جهانی را جذب کنند. شکل ۱ رشد سالانه جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی منطقه آسیای جنوب غربی را نسبت به کل جهان نشان می‌دهد (شاخص توسعه جهانی، ۲۰۱۴).



شکل ۱. نمودار جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در منطقه آسیای جنوب غربی به نسبت جهانی

با توجه به شکل ۱ درمی‌یابیم سرمایه‌گذاران طی سال‌های گذشته، نگاه ویژه‌ای به این منطقه داشته‌اند. از این رو شاهد رشد سرمایه‌گذاری خارجی و به‌تبع آن، توسعه اقتصادی در کشورهای آسیای جنوب غربی هستیم.

با توجه به اهمیت سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، سیاست‌گذاران اقتصاد و بازرگانی به‌دنبال شناسایی عوامل مؤثر بر رشد این شاخص‌اند. از این رو، پژوهش حاضر نیز نقش دو متغیر مهم سیاست بازرگانی، یعنی آزادسازی تجاری و وضعیت فضای کسب‌وکار را در پیش‌بینی میزان جذب سرمایه‌های مستقیم خارجی بین کشورهای آسیای جنوب غربی، بررسی می‌کند. آزادسازی تجارت میان کشورهای در حال توسعه، عامل‌های بسیار مهمی در فرایند رشد اقتصادی شناخته شده‌اند. تأثیر آزادسازی تجاری بر رشد اقتصادی مثبت و معنادار است و دلیل آن بیشتر به ایجاد سرمایه فیزیکی و انتقال فناوری بازمی‌گردد (بلومی، ۲۰۱۴). از سوی دیگر، سرمایه‌گذاران به‌طور عمده وضعیت فضای تجاری و کسب‌وکار کشورها را عامل مهمی برای تصمیم‌گیری سبب سرمایه‌گذاری خود در نظر می‌گیرند. طی فرایند جهانی‌شدن، امروزه شاهدیم که جریان سرمایه، سیالی و آزادی عمل بیشتری دارد و به‌راحتی از کشور یا منطقه‌ای به کشورهای دیگر انتقال می‌یابد و به‌سبب آن، عواملی مانند فضای کسب‌وکار کشورها و مناطق، از اهمیت بیشتری برخوردار شده‌اند.

از دیدگاه نظری، رابطه مستقیم و معناداری بین آزادسازی تجارت، وضعیت فضای کسب‌وکار و میزان جذب سرمایه‌گذاری خارجی وجود دارد (نسرین و انور، ۲۰۱۴). مقاله حاضر در پی آزمون این فرضیه است که آزادسازی تجاری و وضعیت فضای کسب‌وکار، بر جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI)^۱ در کشورهای آسیای جنوب غربی چه تأثیری دارد. سؤال اصلی پژوهش این‌گونه مطرح می‌شود: آیا آزادسازی تجاری و وضعیت فضای کسب‌وکار، می‌تواند میزان جذب سرمایه‌گذاری خارجی این کشورها را توضیح دهد و آن را پیش‌بینی کند؟

برای پاسخ به این سؤال، پژوهش پیش رو از داده‌های پانل سطح ملی برای تخمین مدل مد نظر بهره می‌برد و تلاش می‌کند با استفاده از آزمون‌های داده‌های پانل برای داده‌های زمانی - مقطعی^۲ کشورهای آسیای جنوب غربی، شواهد عینی برای آزمون فرضیه تأثیر آزادسازی اقتصادی و وضعیت فضای کسب‌وکار بر جذب سرمایه‌گذاری خارجی معرفی کند. در تعریف مدل برای دسترسی به نمونه‌های بیشتر، داده‌های سالانه به کار می‌رود. مدل پژوهش نیز به کمک روش حداقل مربعات تعمیم‌یافته (GLS)^۳ برآورد می‌شود

1. Foreign Direct Investment
2. Cross sectional-time series
3. Generalized Least Squares

پیشینه نظری پژوهش

سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی

جهان هم‌اکنون در وضعیت گذار از بحران اقتصادی است. در این برهه زمانی، جذب سرمایه‌گذاری خارجی می‌تواند به‌مثابه مزیت رقابتی برای کشورها مطرح شود. بسیاری از پژوهشگران (کارلین و لندسمن، ۱۹۹۷ و جنسن، ۲۰۰۶) به نقش سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در بهبود وضعیت اقتصادی و بازاریابی اقتصادی، تأکید کرده‌اند.

از نگاه صندوق بین‌المللی پول (۱۹۹۳)، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، نوعی سرمایه‌گذاری است که با هدف کسب سود در شرکت‌های خارج از کشور سرمایه‌گذار اصلی انجام می‌شود. سرمایه‌گذاری خارجی امکان تأمین مالی منابع و کارآفرینان در کشور میزبان را افزایش می‌دهد و بر ظرفیت صادرات کشور و در نتیجه ارزآوری کشورها می‌افزاید (بلومی، ۲۰۱۴). سرمایه‌گذاران خارجی علاوه بر سرمایه، بخش زیادی از دانش و یادگیری خود را نیز به کشورهای مناسب سرمایه‌گذاری منتقل می‌کنند و از این طریق سبب پیشرفت فناوری در کشورهای جذب‌کننده سرمایه‌گذاری می‌شوند (گانتز، ۲۰۰۲).

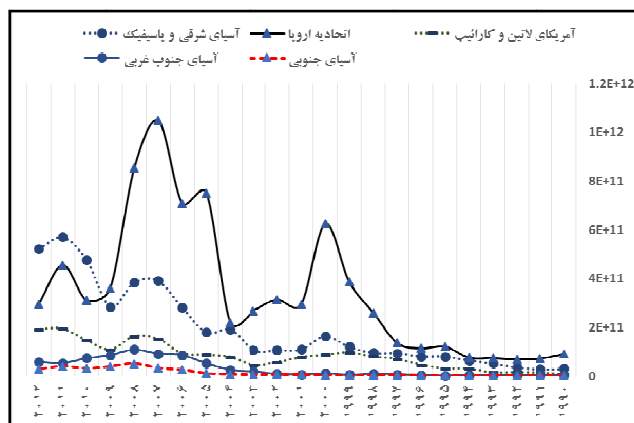
به باور ایوازیکی و توکوناگا (۲۰۱۴)، رابطه علی بین سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و رشد اقتصادی کلان، آنچنان پیچیده است که به‌سادگی نمی‌توان درباره آن نظر داد. البته این پژوهشگران از طریق فراتحلیل پژوهش‌های قبلی نشان دادند در کل، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در افزایش رشد منطقه‌ای و ملی نقش مثبتی دارد.

سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، از عوامل گوناگونی همچون قانونی، مالی و اقتصادی تأثیر می‌پذیرد. نقش عدالت نهادی، زیرساخت فیزیکی، تعرفه‌های وارداتی، ثبات اقتصادی کلان و ثبات سیاسی در تعیین میزان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، در اغلب پژوهش‌ها مثبت و معنادار بوده است (تروینو، دانیل، اربلاز و اوپادیا، ۲۰۰۲). کولستاد و ویلانجر (۲۰۰۸) عوامل تعیین‌کننده جذب سرمایه‌گذاری خارجی را در حوزه خدمات کشورهای مقصد بررسی کردند و دریافتند برابری نهادی و دموکراسی نسبت به ریسک عمومی سرمایه‌گذاری یا ثبات سیاسی، عوامل مهم‌تری هستند. گلاس و ساگی (۲۰۰۲) نیز دریافتند قوانین مختص به حقوق معنوی، سبب کاهش کپی‌برداری می‌شود و جریان سرمایه‌گذاری خارجی را افزایش می‌دهد.

علاوه بر آن، عواملی مانند سرمایه اجتماعی (نوربخش، پالونی و یوسف، ۲۰۰۱) و توافق‌های تجاری منطقه‌ای (مک‌درموت، ۲۰۰۷)، در افزایش سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی تعیین‌کننده‌اند. طی دو دهه گذشته، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی تأثیر معناداری بر اقتصاد کشورها داشته است. داده‌های بانک جهانی نشان می‌دهد نسبت سرمایه‌گذاری مستقیم جهانی به کل تولید

ناخالص داخلی جهانی، از ۰/۶۳ درصد در سال ۱۹۹۲ به ۴/۲۴ درصد در سال ۲۰۰۷ افزایش یافته است. بعد از آن بر اثر بحران اقتصادی اروپا و آمریکا، از این نسبت کاسته شد و تا سال ۲۰۱۲ به ۲/۰۸ درصد رسید، اما طی دو دهه اخیر شاهد رشد نسبی سرمایه‌گذاری خارجی بودیم. نحوه توزیع سرمایه‌گذاری خارجی در کشورهای مختلف نیز شایان توجه است؛ کشورهایی با درآمد زیاد^۱، در سال ۲۰۱۲ حدود ۵۹ درصد از سرمایه‌های خارجی را جذب کرده‌اند. کشورهایی با درآمد متوسط نیز در همان سال، ۴۱ درصد سرمایه‌گذاری خارجی را در اختیار داشته‌اند. سهم کشورهای فقیر از سرمایه‌های خارجی تنها ۰/۰۲ درصد بوده است. این آمار نشان می‌دهد طی دو دهه اخیر، این نسبت به نفع کشورهای در حال توسعه و با درآمد متوسط تغییر کرده است؛ چرا که این دسته از کشورها در سال ۱۹۹۰، توانستند فقط ۱۱ درصد از سرمایه‌گذاری خارجی را جذب کنند و ۸۹ درصد سرمایه‌ها به کشورهای پیشرفته و با درآمد زیاد سرازیر شد (شاخص‌های توسعه جهانی، ۲۰۱۴).

شکل ۲ میزان جذب سرمایه‌های مستقیم خارجی در مناطق مختلف جهان را بین سال‌های ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۲ نشان می‌دهد.



شکل ۲. میزان جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در مناطق مختلف جهان

به این ترتیب به نظر می‌رسد کشورهای با درآمد متوسط و در حال توسعه، به دلیل مسائلی چون نیروی کار ارزان، منابع در دسترس، بازار محلی گسترده و قوانین راحت‌تر کسب‌وکار، توجه سرمایه‌گذاران بین‌المللی را بیشتر جلب می‌کنند. این جذابیت طی چند سال آینده و با ادامه روند کنونی سبب می‌شود بخش اصلی سرمایه‌گذاری خارجی به کشورهای در حال توسعه و با درآمد

متوسط انتقال یابد. طی این تحولات، کشورهای فقیر نتوانسته‌اند نفعی از این تغییر معادلات بین‌المللی سرمایه داشته باشند و با روند حاضر نیز به نظر می‌رسد نمی‌توانند به جذب سرمایه‌گذاری خارجی امیدوار باشند. داده‌های انکتاد (۲۰۰۹) نیز نشان می‌دهد اغلب کشورهای در حال توسعه و کمتر توسعه‌یافته، با وجود تلاش برای آزادسازی اقتصادی در عصر جهانی‌شدن، تنها نتوانسته‌اند مقادیر بسیار کمی از سرمایه مستقیم خارجی را جذب کنند و سرمایه‌های خارجی اغلب در چند کشور صنعتی و پیشرفته تمرکز یافته است. این واقعیت احتمالاً ناشی از آن است که اغلب در کشورهایی سرمایه‌گذاری می‌شود که صرفه‌جویی به مقیاس اقتصادی وجود دارد (تروینو و میکسون، ۲۰۰۴).

آزادسازی تجاری

از دهه هشتاد میلادی، تجارت بین‌المللی در کشورهای آسیای جنوب غربی رشد چشمگیری داشته است، به‌ویژه با ظهور مراکز تجاری مانند دبی و رشد اقتصادی ترکیه، عربستان و کشورهای استقلال‌یافته از شوروی سابق، این رشد تحریک شده است. آزادسازی تجاری، نقش عمده‌ای در افزایش سهم این کشورها از تجارت بین‌الملل داشته است. آزادسازی تجاری از دسته مفاهیم خاص پارادایم مدیریت دولتی نوین به‌شمار می‌رود (سالارزهی و ابراهیم‌پور، ۱۳۹۱) و یکی از مهم‌ترین عوامل ایجاد رشد اقتصادی در کشورهای در حال توسعه در نظر گرفته شده است (سادورسکی، ۲۰۱۲). آزادسازی به کشورهای در حال توسعه امکان می‌دهد فناوری‌های پیشرفته را از کشورهای توسعه‌یافته دریافت کنند (نسرین و انور، ۲۰۱۴). راجان و زینگالس (۲۰۰۳) بر این باورند که میزان مقاومت در برابر توسعه مالی کشورها هنگامی کاهش می‌یابد که اقتصاد کشور در زمینه تجارت و جریان‌های مالی باز عمل کند. عامل بازبودن اقتصاد حتی سبب می‌شود گروه‌های ذی‌نفع کنونی، تغییر وضعیت و بهبود اقتصادی را به نفع خود ارزیابی کنند و در راستای بهبود وضعیت مالی عمل کنند (بالتاجی، دمتریادیس و هوک لائو، ۲۰۰۹).

لیارگوواس و اسکاندالیس (۲۰۱۲) از طریق بررسی داده‌های ۳۶ کشور در حال توسعه برای دوره ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۸، دریافتند آزادسازی تجاری تأثیر مثبتی بر جریان جذب سرمایه مستقیم خارجی در این کشورها دارد. مارسون و عبدالله (۲۰۱۰) رابطه مستقیم و معناداری را بین آزادسازی تجاری و جذب سرمایه خارجی در بین کشورهای عضو ASEAN یافتند. برخی از سیاست‌های آزادسازی تجاری می‌تواند تأثیرات چشمگیری در جذب سرمایه‌گذاری خارجی داشته باشد. برای مثال، اجرای قرارداد تجارت آزاد بین برخی از کشورهای آمریکای لاتین سبب شد این کشورها مقدار زیادی سرمایه خارجی را جذب کنند (لیارگوواس و اسکاندالیس، ۲۰۱۲).

کول (۲۰۰۶) در مطالعه‌ای با استفاده از داده‌های ۳۲ کشور نشان داد آزادسازی تجاری موجب تحریک رشد اقتصادی می‌شود. همچنین آزادسازی تجاری میل به سرمایه‌داری در کشورها را افزایش می‌دهد. جنا و گروت (۲۰۰۸) نیز نشان دادند آزادسازی تجاری موجب صنعتی‌شدن کشور خواهد شد. نارایان و اسمیت (۲۰۰۹) با در نظر گرفتن میزان صادرات به‌مثابه شاخص آزادسازی تجاری، داده‌های پانل شش کشور آسیای جنوب غربی از جمله ایران را بررسی کردند. یافته‌های این پژوهش نشان داد بین رشد اقتصادی و آزادسازی تجاری، رابطه کوتاه‌مدت و مستقیمی برقرار است. سادورسکی (۲۰۱۱) با بررسی داده‌های هشت کشور منطقه شامل بحرین، اردن، عمان، قطر، عربستان سعودی، سوریه و امارات متحده عربی، به این نتیجه دست یافت که بین متغیرهای پژوهش رابطه بلندمدتی وجود دارد. یافته‌های پژوهش نسرین و انور (۲۰۱۴) نیز نشان داد بین آزادسازی تجارت و رشد اقتصادی رابطه علی متقابل برقرار است.

بک (۲۰۰۲) بر این باور است که سطح توسعه مالی و درجه آزادسازی تجارت، جزء مهم‌ترین متغیرهایی است که ادبیات پژوهش نشان می‌دهد با عملکرد اقتصادی در بین کشورها رابطه دارد. کشورهایی که در زمینه آزادسازی تجاری در جایگاه ضعیفی قرار دارند، عموماً در چرخه تکرارشونده‌ای گرفتار می‌شوند؛ بدین ترتیب که آزادسازی تجاری ضعیف به سرمایه‌گذاری خارجی منجر می‌شود و سرمایه‌گذاری خارجی، کمتر به بدترشدن وضعیت آزادسازی تجاری و فضای کسب‌وکار می‌انجامد. بنابراین پژوهش‌های پیشین تأکید کرده‌اند که نقطه خروج از این چرخه، اتخاذ سیاست‌های آزادسازی تجاری و عزم سیاسی برای بهبود فضای کسب‌وکار کشور است (مانیا، نازلی اوغلو و وولدرافل، ۲۰۱۴). اسوالری و ولاخوس (۲۰۰۲) نشان دادند بین سیاست‌های آزادسازی تجاری و بهبود بازارهای مالی، رابطه اقتصادی معناداری به‌صورت متقابل وجود دارد.

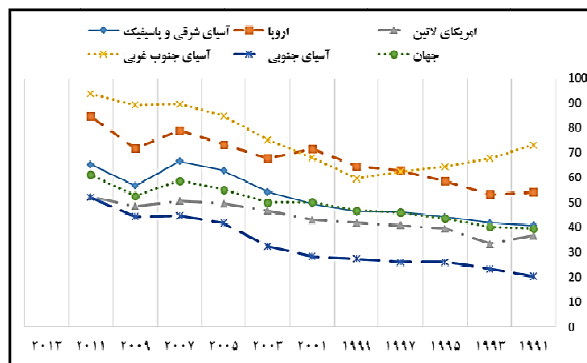
اگرچه اغلب مطالعات (بیگلیسر و دی رون، ۲۰۰۶) رابطه مثبت بین آزادسازی تجاری و جریان سرمایه خارجی را گزارش کرده‌اند، برخی یافته‌ها (سیم، ۲۰۰۹) نیز نشان‌دهنده رابطه منفی بین این متغیرها برای اقتصادهای در حال گذار است.

در کنار تأکید نظری فراوان بر نقش آزادسازی تجاری در جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، هنوز مطالعات و شواهد تجربی در این زمینه بسیار محدود است و پیچیدگی‌های زیادی در زمینه تأیید این فرضیه وجود دارد (بالتاجی و همکاران، ۲۰۰۹). اغلب پژوهش‌ها (برای مثال راجان و زینگالس، ۲۰۰۳) به کشورهای اندکی محدود می‌شود که اغلب جزء کشورهای صنعتی به‌شمار می‌روند. همچنین این پژوهش‌ها داده‌های به بعد از جنگ جهانی دوم را بررسی کرده‌اند و اطلاعات سال‌های اخیر کشورها مد نظر آنها نبوده است. از این رو پژوهش‌های پیشین به‌خوبی نمی‌توانند تحولات صورت‌گرفته در کشورهای در حال توسعه را تبیین کنند (بالتاجی و همکاران،

۲۰۰۹). همچنین برای کشورهای آسیای جنوب غربی که مد نظر مقاله حاضر است، کاربرد چندانی ندارد. میزان آزادسازی تجاری کشورها بر اساس رابطه ۱ محاسبه می‌شود.

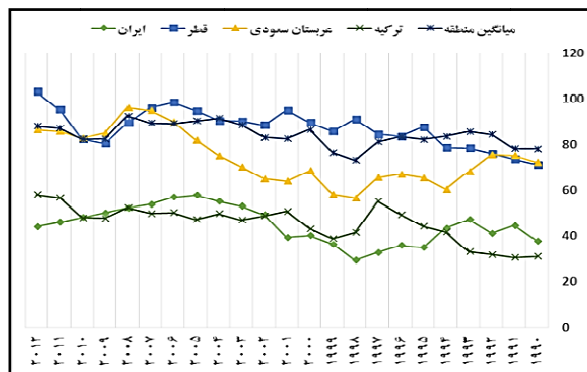
$$\text{رابطه ۱)} \quad \frac{\text{واردات} + \text{صادرات}}{\text{GDP}} \times 100\%$$

شکل ۳ سطح آزادسازی تجارت در مناطق مختلف جهان و شکل ۴ تغییرات سالانه سطح آزادسازی تجارت در برخی از کشورهای منطقه را نشان می‌دهد.



شکل ۳. مقایسه سطح آزادسازی تجاری در مناطق مختلف جهان

منبع: شاخص‌های توسعه جهانی، ۲۰۱۴



شکل ۴. تغییرات آزادسازی تجاری در منطقه آسیای جنوب غربی

منبع: شاخص‌های توسعه جهانی، ۲۰۱۴

ادبیات پژوهش آزادسازی تجاری این پیام را دربردارد که آزادسازی سبب تقویت سرمایه‌گذاری داخلی می‌شود؛ چرا که فعالان اقتصادی داخلی، کالاهای سرمایه‌ای با کیفیت را با

قیمت‌های ارزان‌تر وارد می‌کنند. بنابراین محدودیت ساختاری سرمایه جذب‌شده و کارایی سرمایه‌گذاری افزایش می‌یابد (لی، ۱۹۹۵). آزادسازی تجاری همچنین سبب می‌شود رقابت در بازارهای داخلی و بین‌المللی تشویق شود و از این طریق بازگشت سرمایه به دلیل صرفه اقتصادی به مقیاس، افزایش یابد (یانگ، ۱۹۹۱؛ ایچر، ۱۹۹۹).

با توجه به بررسی ادبیات پژوهش در زمینه آزادسازی تجاری و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، فرضیه اول پژوهش به شرح زیر مطرح می‌شود:

فرضیه اول: آزادسازی تجاری بر میزان جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کشورهای منطقه آسیای جنوب غربی تأثیر می‌گذارد.

توسعه فضای کسب‌وکار

فعالیت‌های اقتصادی و جذب سرمایه‌گذار به وضع قوانین خوب نیازمندند. این پیش‌فرض اصلی مبحث فضای کسب‌وکار است. قوانین مد نظر برای فضای کسب‌وکار باید هزینه مبحث‌ها و مجادله‌ها را کاهش دهند (گزارش توسعه فضای کسب‌وکار، ۲۰۱۴).

داده‌های پروژه فضای کسب‌وکار، ۱۸۳ کشور جهان را دربرمی‌گیرد. هر یک از گزارش‌های فضای کسب‌وکار، شامل اطلاعات سالانه ده بعد مختلف است و هر یک از این ابعاد، کسب‌وکارها را به شیوه‌های متنوع تحت تأثیر قرار می‌دهد. این ابعاد عبارت‌اند از: شروع کسب‌وکار، صدور مجوز ساخت‌وساز، ثبت دارایی‌ها، دریافت اعتبار، حفاظت از سرمایه‌گذاران، پرداخت مالیات، تجارت برون‌مرزی، ضمانت اجرایی قراردادهای، انحلال کسب‌وکار، دسترسی به نیروی برق (وارث، پروندی و قاسمی، ۱۳۹۱).

آغاز کسب‌وکار: کارآفرینانی که قصد دارند طرح کسب‌وکار تنظیم‌شده‌ای را عملی کنند، رویه‌های ضروری تشکیل و ثبت شرکت جدید، نخستین مانعی است که پیش روی آنها قرار می‌گیرد. در برخی از کشورها این فرایند بسیار ساده و مشخص است، اما در برخی دیگر از کشورها این رویه آن قدر سخت و پیچیده است که گاهی کارآفرینان مجبور می‌شوند برای سرعت‌بخشیدن به این فرایند، در بسیاری از مراحل به مأموران و متصدیان رشوه دهند و گاهی تصمیم می‌گیرند که کسب‌وکارشان را به صورت غیررسمی و غیرقانونی آغاز کنند. در ایران، آغاز هر کسب‌وکار شامل هشت مرحله است، ۱۶ روز طول می‌کشد و ۳/۱ درصد از درآمد سرانه ناخالص ملی هزینه دربردارد. رتبه جهانی ایران در سال ۲۰۱۴ برای این شاخص ۱۰۷ بوده است که شش رتبه بهبود نسبت به سال قبل را نشان می‌دهد.

مجوز ساخت و ساز: برای سنجش این بعد به بخش ساختمان تمرکز می‌شود. دولت برای بازرسی‌ها، مقررات صدور پروانه و مقررات ایمنی، به شرکت‌های ساختمانی فشار می‌آورد و مشتری برای سریع بودن (ساختن سریع ساختمان) و اثربخشی هزینه آنها را تحت فشار قرار می‌دهد. شاخص‌های مجوزهای ساخت و ساز، همه رویه‌های رسمی کارآفرین در صنعت ساختمان را که برای ساختن انبار لازم است، ثبت می‌کنند. این شاخص‌ها شامل تحویل اسناد پروژه (طرح‌های ساختمان و نقشه‌های محل) به متصدیان و اولیای امور، کسب همه مجوزها و پروانه‌ها، تکمیل اطلاعات و فرم‌های مشخص و دریافت همه بازرسی‌ها است. این فرایند همچنین شامل رویه‌هایی برای متصل شدن به امکاناتی همچون برق، تلفن، آب و فاضلاب می‌شود. دریافت مجوز ساخت و ساز در ایران شامل ۱۶ مرحله است، حدود ۳۲۰ روز طول می‌کشد و بیش از دو برابر درآمد سرانه ناخالص ملی، هزینه دربردارد. رتبه جهانی ایران در سال ۲۰۱۴ برای این شاخص ۱۶۹ بوده است که نسبت به سال قبل، دو رتبه تنزل را نشان می‌دهد.

ثبت دارایی: بخش زیادی از دارایی‌ها در کشورهای در حال توسعه به‌طور رسمی ثبت نشده‌اند. اسناد غیررسمی ضمانتی برای گرفتن وام محسوب نمی‌شوند و این مسئله، فرصت‌های مالی را برای کسب و کارها محدود می‌کند. دولت‌های بسیاری به این مسئله پی برده‌اند و برنامه‌های وسیعی را برای سنددار کردن دارایی‌ها اجرا کرده‌اند؛ از این رو، حذف موانع غیرضروری ثبت و انتقال دارایی برای پیشرفت اقتصادی، اهمیت ویژه‌ای دارد. فرایند ثبت دارایی در ایران شامل ۹ مرحله است، حدود ۳۶ روز طول می‌کشد و ۱۰ درصد از درآمد سرانه ناخالص ملی، هزینه دربردارد. رتبه جهانی ایران در سال ۲۰۱۴ در این شاخص ۱۶۸ است که نسبت به سال قبل تغییری نشان نمی‌دهد.

دریافت اعتبار: دستیابی به اعتبار، از بزرگ‌ترین موانع عملیات و رشد شرکت‌ها به‌شمار می‌رود. فضای کسب و کار دو مجموعه از شاخص‌های چگونگی کارکرد خوب بازارهای اعتباری را ایجاد کرده است: یکی دفاتر ثبت اعتبار و دیگری حقوق قانونی وام‌گیرندگان و قرض‌دهندگان. رتبه جهانی ایران در سال ۲۰۱۴ برای این شاخص ۸۶ بوده است که نسبت به سال قبل، چهار رتبه تنزل کرده است.

حفاظت از سرمایه‌گذاران: شرکت‌ها با افزایش سرمایه‌شان رشد می‌کنند. فروش سهام به شرکت‌ها اجازه می‌دهد بدون تهیة وثیقه و بازپرداخت وام بانکی، توسعه یابند؛ اما سرمایه‌گذاران به دلیل نگرانی به‌دنبال قوانینی هستند که از سرمایه آنها حفاظت کند. اجرای حفاظت‌های قانونی برای سرمایه‌گذاران، تصمیم آنها را برای سرمایه‌گذاری تعیین می‌کند. رتبه جهانی ایران در سال

۲۰۱۴ برای شاخص حفاظت از سرمایه‌گذاران ۱۴۷ بوده است و نسبت به سال ۲۰۱۳ تغییر نکرده است.

پرداخت مالیات: پرداخت مالیات برای هر کشور، امری ضروری به‌شمار می‌رود. بدون مالیات برای زیرساخت‌ها و ارائه خدمات مناسب اقتصاد در حال کار، پولی فراهم نخواهد شد. پروژه سنجش فضای کسب و کار در جست‌وجوی ثبت اثربخشی مالیات‌ها و هزینه‌های اجرای فرایند مالیاتی است. در این شاخص، ایران رتبه ۱۳۹ را میان سایر کشورها دارد.

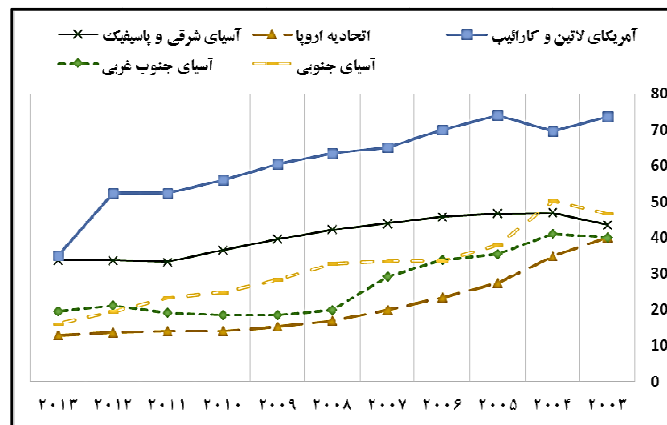
تجارت برون مرزی: تعرفه‌ها، سهمیه‌ها و فاصله از بازارهای بزرگ و به بیانی هزینه کالاها را افزایش می‌دهند یا مانع به هم‌پیوستن تجارت‌ها می‌شوند. پروژه فضای کسب و کار برای انتقال یا حمل دریایی کالای استاندارد، ابزارهای رویه‌ای را در نظر گرفته است. در هر رویه، اسناد، زمان و هزینه واردات و صادرات کالا ثبت می‌شود. برای واردات کالا، رویه‌های ارزیابی شده، از ورود محموله به‌مثابه بخشی از کل کار تا تحویل محموله به انبار واردات، طبقه‌بندی می‌شوند. برای صادرات کالا، رویه‌های ارزیابی شده از بسته‌بندی کالا در کارخانه تا آغاز حرکت برای خروج از مرزها، طبقه‌بندی می‌شوند. ایران در زمینه تجارت برون مرزی رتبه ۱۵۳ را دارد.

اجرای قراردادها: در کشورهایی که اجرای قراردادها کارآمد است، به احتمال زیادی کسب و کارها با مشتریان و وام‌گیرندگان جدیدی مواجه می‌شوند. در سنجش فضای کسب و کار کشورها، به اثربخشی سیستم قضایی در حل مشاجره‌های تجاری توجه می‌شود. رتبه ایران در این شاخص با توجه به سایر کشورهای جهان ۵۱ است.

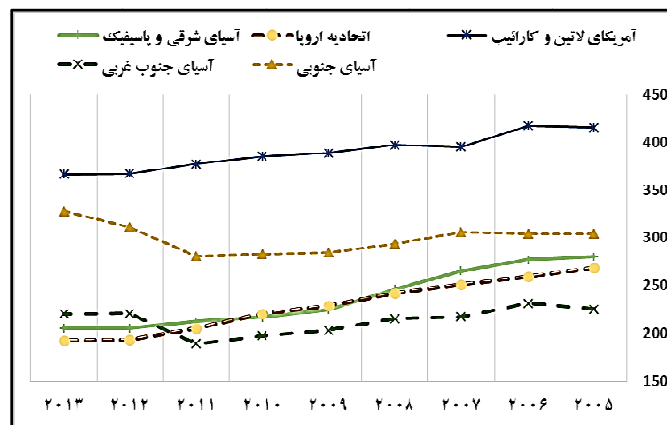
انحلال کسب و کار: از دهه نود میلادی، در پی ظهور بازارها، درباره طراحی سیستم‌های ورشکستگی و توانایی چنین سیستم‌هایی برای کمک به بقای شرکت‌ها و کاهش درصد انقراض آنها، مفاهیمی میان منتقدان اقتصادی مطرح شد. در کشورهایی که ورشکستگی دیده نمی‌شود، برای مدت زیادی کسب و کار رونق می‌گیرد و سرمایه‌های انسانی و مالی به استفاده اثربخش از منابع منجر می‌شود. رتبه جهانی ایران در سال ۲۰۱۴ در این شاخص ۱۲۹ بوده است (گزارش توسعه فضای کسب و کار، ۲۰۱۴).

شکل‌های ۵ و ۶ سطح تغییرات مؤلفه‌های زمان لازم برای آغاز کسب و کار جدید و زمان لازم برای آماده‌سازی و پرداخت مالیات بین مناطق مختلف جهان را نشان می‌دهند. با مشاهده این دو نمودار مشخص می‌شود کشورهای مختلف جهان طی دهه گذشته، در راستای بهبود وضعیت شاخص‌های کسب و کارشان تلاش کرده‌اند و به موفقیت‌هایی دست یافته‌اند. کشورهای منطقه

آسیای جنوب غربی نیز تا سال ۲۰۱۱ در بهبود شاخص‌های کسب‌وکار روند مثبتی داشته‌اند، اما بعد از آن وضعیت کسب‌وکار در این کشورها بدتر شده است.



شکل ۵. زمان لازم برای آغاز کسب‌وکار جدید



شکل ۶. زمان لازم برای آماده‌سازی و پرداخت مالیات‌ها

لوکاس (۱۹۹۳) جزء نخستین کسانی بود که تأثیر محیط کسب‌وکار بر جذب سرمایه‌گذاری خارجی را بررسی کرد. کلاپر، لاون و راجان (۲۰۰۶) دریافتند هزینه‌های سنگین آغاز کسب‌وکار موجب می‌شود از تعداد شرکت‌های تأسیس شده کاسته شود. به همین ترتیب، برسگیان (۲۰۰۸) نشان داد هزینه‌های زیاد آغاز کسب‌وکار (در شاخص فضای کسب‌وکار) از طریق کاهش بهره‌وری کل عوامل، موجب می‌شود از میزان خروجی و دستاوردهای هر کارگر کاسته شود. بران

(۲۰۱۱) نیز به این نتیجه دست یافت که اصلاح مقررات فضای کسب‌وکار و آغاز کسب‌وکار جدید، موجب رشد تعداد شرکت‌های ثبت‌شده می‌شود. لاولس (۲۰۰۹) اظهار می‌کند پیچیدگی فرایند پرداخت مالیات، بر سرمایه‌گذاری خارجی تأثیر معناداری می‌گذارد، اما میزان آن را تعیین نمی‌کند. پژوهش بلونینگن و پیگر (۲۰۱۱) نیز با هدف مشخص کردن عوامل تعیین‌کننده سرمایه‌گذاری خارجی اجرا شد. این پژوهشگران دریافتند چهار شاخص فضای کسب‌وکار، شامل زمان لازم برای اجرای قراردادها، ثبت دارایی‌ها، آغاز کسب‌وکار و زمان لازم برای انحلال، برای پیش‌بینی سطح سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی از معناداری کافی برخوردار نیستند.

موریس و عزیز (۲۰۱۱) با بررسی رابطه بین ابعاد فضای کسب‌وکار و میزان سرمایه خارجی جذب‌شده میان کشورهای آفریقایی و آسیایی، اعلام کردند که ابعاد «ثبت دارایی‌ها» و «تجارت برون‌مرزی» با سطح سرمایه خارجی جذب‌شده ارتباط معناداری دارند.

کورکوران و گیلاندرز (۲۰۱۴) در بررسی تأثیر محیط کسب‌وکار و مقررات تجاری بر جذب سرمایه مستقیم خارجی، به این جمع‌بندی دست یافتند که بخش زیادی از این تأثیر را می‌توان از طریق شاخص «سادگی تجارت برون‌مرزی» تبیین و پیش‌بینی کرد. این پژوهشگران معتقدند بقیه ابعاد فضای کسب‌وکار بر میزان جذب سرمایه خارجی هیچ تأثیری ندارد یا تأثیر بسیار اندکی بر آن می‌گذارد. آنها اعلام کردند این رابطه در کشورهای بسیار فقیر وجود ندارد و برای کشورهای عضو سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه^۱ چنین نتایجی گزارش نمی‌شود. همچنین از دیدگاه منوریان، مقیمی، موحدی و حسین‌زاده (۱۳۹۱)، سیاست‌های بهبود فضای کسب‌وکار باید بر کاهش موانع صادراتی شرکت‌های کوچک و متوسط متمرکز شود.

بایراکتارا (۲۰۱۳) با بررسی داده‌های بانک جهانی در زمینه آسانی ایجاد کسب‌وکار و میزان سرمایه‌گذاری خارجی جذب‌شده در دوره زمانی ۲۰۰۴ تا ۲۰۱۰، دریافت کشورهایی که جایگاه بهتری در زمینه شاخص راحتی کسب‌وکار دارند، توانسته‌اند سرمایه‌های خارجی بیشتری جذب کنند. در پژوهشی مشابه، جایاسوریا (۲۰۱۱) دریافت رتبه بهتر در زمینه فضای کسب‌وکار، سرمایه خارجی بیشتری را جذب می‌کند. پیوونسکی (۲۰۱۰) نیز محاسبه کرد هر کشوری با ارتقای یک رتبه در شاخص فضای کسب‌وکار، حکومت آن کشور می‌تواند ۴۴ میلیون دلار سرمایه خارجی بیشتری جذب کند.

با توجه به اهمیت وضعیت فضای کسب‌وکار در جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، فرضیه دوم پژوهش به شرح زیر مطرح می‌شود:

وضعیت شاخص‌های فضای کسب‌وکار کشورهای منطقه آسیای جنوب غربی بر میزان جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی آنها تأثیر می‌گذارد.

پژوهش حاضر به آزمون دو فرضیه مطرح‌شده می‌پردازد. جدول ۱ مجموعه یافته‌های ادبیات پژوهش در زمینه رابطه بین فضای کسب‌وکار، آزادسازی تجاری و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی را نشان می‌دهد.

جدول ۱. خلاصه ادبیات پژوهش

مؤلفه	ارتباط با سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی
رتبه کلی فضای کسب‌وکار	بایراکتارا، ۲۰۱۳؛ جایاسوریا، ۲۰۱۱ و پیوونسکی، ۲۰۱۰.
صدور پروانه ساخت‌وساز	بلونینگن و پیگر، ۲۰۱۱.
ضمانت اجرایی قراردادها	در پژوهش‌های قبلی رابطه معناداری گزارش نشده است.
دسترسی به نیروی برق	بلونینگن و پیگر، ۲۰۱۱.
ثبات دارایی‌ها	گلاس و ساگی، ۲۰۰۲ و موریس و عزیز، ۲۰۱۱.
آغاز کسب‌وکار	کلاپر و همکاران، ۲۰۰۶؛ برسگیان، ۲۰۰۸ و بران، ۲۰۱۱.
زمان لازم برای صادرات	بلونینگن و پیگر، ۲۰۱۱؛ موریس و عزیز، ۲۰۱۱ و کورکوران و گیلاندرز، ۲۰۱۴.
زمان لازم برای واردات	تروینو و همکاران، ۲۰۰۲؛ بلونینگن و پیگر، ۲۰۱۱؛ موریس و عزیز، ۲۰۱۱ و کورکوران و گیلاندرز، ۲۰۱۴.
پرداخت مالیات	لاولس، ۲۰۰۹ و بلونینگن و پیگر، ۲۰۱۱.
انحلال کسب‌وکار	در پژوهش‌های قبلی رابطه معناداری گزارش نشده است.
آزادسازی تجاری	لیارگوواس و اسکاندالیس، ۲۰۱۲؛ مارسون و عبدالله، ۲۰۱۰؛ مانیا و همکاران، ۲۰۱۴؛ بیگلیسر و دی رون، ۲۰۰۶؛ بالتاجی و همکاران، ۲۰۰۹ و راجان و زینگالس، ۲۰۰۳.

روش‌شناسی پژوهش

رویکرد پژوهش کنونی اقتصادسنجی است. در روش‌های اقتصادسنجی، به بررسی داده‌های کمی و کلان اقتصادی کشورها پرداخته می‌شود. معادله مد نظر پژوهش کنونی از طریق داده‌های پانل و با استفاده از روش GLS بررسی شده است (مادالا و لاهیری، ۲۰۰۶). سیاست‌های بازرگانی کشور که در راستای چشم‌انداز بیست‌ساله کشور اتخاذ می‌شوند، بر کشورهای منطقه آسیای جنوب غربی تمرکز دارند. منطقه آسیای جنوب غربی با مساحتی معادل ۱۲ میلیون و ۷۶۹ هزار کیلومتر مربع، حدود ۹/۸ درصد مساحت جهان را شکل می‌دهد. جمعیت کشورهای این حوزه در

سال ۱۹۹۰ برابر ۸/۱ درصد کل جمعیت جهان بوده است. در سال ۲۰۱۲ این منطقه ۹/۵ درصد جمعیت جهان را در خود جای داده است (شاخص‌های توسعه جهانی، ۲۰۱۴). جامعه آماری پژوهش حاضر را ایران و ۲۲ کشور آسیای جنوب غربی شکل داده است که تمام این کشورها برای نمونه آماری انتخاب شدند. بازه زمانی مد نظر این پژوهش سال‌های ۲۰۰۴ تا ۲۰۱۲ در نظر گرفته شده است.

در مقاله حاضر، داده‌های شاخص سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و میزان آزادسازی تجاری، از پایگاه اینترنتی شاخص‌های توسعه جهان^۱ سازمان ملل متحد استخراج شد. داده‌های وضعیت کسب‌وکار نیز از تارنمای پروژه فضای کسب‌وکار^۲ به دست آمد. مدلی که در این پژوهش بررسی می‌شود، در قالب رابطه ۲ تعریف شده است.

$$FDI_{it} = \beta_0 + \beta_1 trade_{it} + \beta_2 warehouse_{it} + \beta_3 contract_{it} + \beta_4 electricity_{it} + \beta_5 property_{it} + \beta_6 start_{it} + \beta_7 export_{it} + \beta_8 import_{it} + \beta_9 tax_{it} + \beta_{10} insolvency_{it} \quad \text{رابطه ۲}$$

در این رابطه؛ FDI نشان‌دهنده شاخص سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، trade نشان‌دهنده میزان آزادسازی تجاری، warehouse هزینه‌های دریافت مجوز ساخت‌وساز، contract سادگی قرارداد بستن، electricity دریافت نیروی برق، property هزینه‌های ثبت دارایی، start هزینه‌های آغاز کسب‌وکار جدید، export زمان لازم برای صادرات، import زمان لازم برای واردات، tax هزینه‌های آماده‌سازی و پرداخت مالیات، insolvency زمان لازم برای انحلال و اندیس‌های i و t نیز به ترتیب بیان‌کننده کشور و سال هستند.

برای سنجش روابط علی به کمک روش‌شناسی پانل، دو مسئله کلیدی مد نظر قرار گرفت: نخست به کنترل استقلال داده‌های کشورهای منتخب توجه شد؛ زیرا شوکی که بر کشوری وارد می‌شود و بر آن اثر می‌گذارد، به دلیل جهانی‌شدن تجارت و اقتصاد می‌تواند بر بقیه کشورها نیز تأثیر بگذارد. برای محاسبه این وابستگی با استقلال درونی از آزمون مونت کارلو ارائه‌شده پسران (۲۰۰۶) استفاده شده است. مسئله دوم این است که آیا می‌توان داده‌ها را بین کشورها تجمیع کرد و داده‌های پانل منحصر به داده‌های هر کشور است یا خیر (پسران و یاماگاتا، ۲۰۰۸). با توجه به آنچه گفته شد، آزمون وابستگی بین کشوری و همگنی شیب در تحلیل علی پانل برای

1. data.worldbank.org
2. www.doingbusiness.org

انتخاب روش آزمون علیت مناسب، مرحله حیاتی است. پژوهشگران برای آزمون وابستگی بین کشوری از روش ضریب لاگرانژ (LM) (بروش و پاچان، ۱۹۸۰) استفاده کردند. مقدار آماره آزمون ضریب لاگرانژ برای داده‌های این پژوهش $۸۷۷/۴۳$ ($p\text{-value} = ۰/۰۰۰$) به دست آمد که استقلال درونی کشورها را نشان می‌دهد.

یافته‌های پژوهش و تخمین مدل

برای تخمین مدل‌ها، هر یک از متغیرهای مستقل پژوهش در معادله جداگانه‌ای وارد مدل شدند. در معادله‌های اول تا نهم، مؤلفه‌های فضای کسب‌وکار به صورت جداگانه در مدل جای‌گذاری شدند. در معادله دهم، متغیر آزادسازی تجاری به منزله متغیر مستقل در مدل قرار گرفت. در معادله یازدهم نیز تمام متغیرهای پژوهش به صورت همزمان وارد مدل شدند. جدول ۲ نتایج تخمین مدل‌های پژوهش را نشان می‌دهد.

جدول ۲. نتایج تخمین برای متغیرهای پژوهش

مدل ۱	مدل ۲	مدل ۳	مدل ۴	مدل ۵	
۴/۲۰۲ (۰/۸۳۳)	۹۳/۶ (۰/۰۰۰)	۲/۰۶ (۰/۰۰۰)	۴/۳۷ (۰/۰۰۰)	۲۷/۳ (۰/۰۰۰)	مقدار ثابت
-۰/۰۰۱ (۰/۰۰۰)					صدور پروانه ساخت‌وساز
	-۰/۰۰۴ (۰/۰۰۰)				ضمانت اجرایی قراردادها
		-۰/۰۰۷ (۰/۰۰۰)			دسترسی به نیروی برق
			-۰/۰۰۴ (۰/۴۷۴)		ثبت دارایی‌ها
				۰/۶۰۲-۰/۰۰۷	آغاز کسب‌وکار
					زمان لازم برای صادرات
					زمان لازم برای واردات
					پرداخت مالیات
					انحلال کسب‌وکار
					آزادسازی تجاری

ادامه جدول ۲

مدل ۱۱	مدل ۱۰	مدل ۹	مدل ۸	مدل ۷	مدل ۶	
۳/۰۸ (۰/۱۱۵)	-۰/۵۰۹ (۰/۴۹۳)	۹/۲۷ (۰/۰۰۰)	۲/۸۰ (۰/۰۰۰)	۴/۳۰ (۰/۰۰۰)	۴/۱۳ (۰/۰۰۰)	مقدار ثابت
-۰/۰۱۲ (۰/۰۰۱)						صدور پروانه ساخت و ساز
-۰/۰۰۲ (۰/۰۱۳)						ضمانت اجرایی قراردادهای
۰/۰۰۲ (۰/۰۲۵)						دسترسی به نیروی برق
۰/۰۰۰۶ (۰/۹۳۶)						ثبت داراییها
-۰/۰۰۵ (۰/۰۰۳)						آغاز کسب و کار
۰/۱۵۴ (۰/۰۰۱)					-۰/۰۰۴ (۰/۶۵۹)	زمان لازم برای صادرات
(۰/۰۰۲)				-۰/۰۱۱ (۰/۲۹۶)		زمان لازم برای واردات
۰/۰۰۸ (۰/۰۰۰)			۰/۰۰۶ (۰/۰۰۰)			پرداخت مالیات
-۰/۱۷۷ (۰/۴۵۵)		-۱/۵۷ (۰/۰۰۰)				انحلال کسب و کار
۰/۰۳۱ (۰/۰۰۲)	۰/۰۵۲ (۰/۰۰۰)					آزادسازی تجاری

نتایج تخمین برای کشورهای آسیای جنوب غربی در بازه زمانی ۲۰۰۴ تا ۲۰۱۲ میلادی
به ترتیب زیر است:

xtgls, panels(heteroskedastic) corr(psar1)
 Cross-sectional time-series FGLS regression
 Coefficients: generalized least squares
 Panels: heteroskedastic Correlation: panel-specific AR (1)
 Estimated covariances =20 Number of obs = 77
 Estimated autocorrelations = 20 Number of groups = 20
 Estimated coefficients =11 Obs per group min =2
 avg = 3.85 max = 4
 Wald chi2 (10) = 581.05 Prob > chi2 = 0.000

جدول ۳. نتایج تخمین مدل ترکیبی برای کشورهای آسیای جنوب غربی

متغیر	ضریب	خطای استاندارد	مقدار z	$P > z $	مقدار اطمینان ۹۵٪ حد پایین	حد بالا
مجوز ساخت و ساز	-۰/۰۱۲	۰/۰۰۴	-۳/۲۷	۰/۰۰۱	-۰/۰۱۹	-۰/۰۰۵
اجرای قراردادها	-۰/۰۰۳	۰/۰۰۱	-۲/۴۹	۰/۰۱۳	-۰/۰۰۵	-۰/۰۰۱
دسترسی به نیروی برق	۰/۰۰۳	۰/۰۰۱	۲/۲۳	۰/۰۲۵	۰/۰۰۰	۰/۰۰۵
ثبات دارایی	۰/۰۰۱	۰/۰۰۸	۰/۰۸	۰/۹۳۶	-۰/۰۱۵	۰/۰۱۶
آغاز کسب و کار	-۰/۰۵۱	۰/۰۱۷	-۲/۹۸	۰/۰۰۳	-۰/۰۸۵	-۰/۰۱۸
زمان لازم برای صادرات	۰/۱۵۵	۰/۰۴۴	۳/۴۸	۰/۰۰۱	۰/۰۶۸	۰/۲۴۲
زمان لازم برای واردات	-۰/۱۱۳	۰/۰۳۷	-۳/۰۸	۰/۰۰۲	-۰/۱۸۴	-۰/۰۴۱
پرداخت مالیات‌ها	۰/۰۰۹	۰/۰۰۱	۶/۷۱	۰/۰۰۰	۰/۰۰۶	۰/۰۱۱
انحلال کسب و کار	-۰/۱۷۸	۰/۲۳۸	-۰/۷۵	۰/۴۵۵	-۰/۶۴۵	۰/۲۸۹
آزادسازی تجاری	۰/۰۳۲	۰/۰۱۰	۳/۰۵	۰/۰۰۲	۰/۰۱۱	۰/۰۵۲
مقدار ثابت	۲/۲۷۲	۱/۵۴۱	۱/۴۷	۰/۱۴۰	-۰/۷۴۸	۵/۲۹۲

با توجه به این یافته‌ها، متغیرهای آزادسازی تجاری به صورت مستقیم با ضریب ۰/۰۳۱، هزینه‌های دریافت مجوز ساخت و ساز با ضریب ۰/۰۱۲-، اجرایی شدن قراردادها با ضریب ۰/۰۰۲-، دریافت نیروی برق با ضریب ۰/۰۰۲، هزینه‌های آغاز کسب و کار جدید با ضریب ۰/۰۵۱-، زمان لازم برای صادرات با ضریب ۰/۱۵۴، زمان لازم برای واردات با ضریب ۰/۱۱۲- و هزینه‌های آماده‌سازی و پرداخت مالیات با ضریب ۰/۰۰۸، در مدل معنادارند. بدین ترتیب معادله پیش‌بینی سرمایه‌گذاری خارجی در کشورهای آسیای جنوب غربی بر اساس وضعیت فضای کسب و کار و آزادسازی تجاری، به صورت رابطه ۳ تعریف می‌شود.

$$FDI_{it} = 0.32 trade_{it} - 0.12 warehouse_{it} - 0.03 contract_{it} \quad \text{(رابطه ۳)}$$

$$+ 0.03 electricity_{it} - 0.13 start_{it}$$

$$+ 0.155 export_{it} - 0.133 import_{it} + 0.09 tax_{it}$$

در این مدل، FDI نشان‌دهنده شاخص سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، trade میزان آزادسازی تجاری، warehouse هزینه‌های دریافت مجوز ساخت و ساز، contract سادگی قرارداد بستن، electricity دریافت نیروی برق، start هزینه‌های آغاز کسب و کار جدید، export

زمان لازم برای صادرات، import زمان لازم برای واردات، tax هزینه‌های آماده‌سازی و پرداخت مالیات و اندیس‌های i و t نیز به ترتیب نشان‌دهنده کشور و سال هستند.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

یافته‌های آزمون GLS نشان داد آزادسازی تجاری می‌تواند بر جذب سرمایه خارجی در کشورهای آسیای جنوب غربی تأثیر مستقیمی داشته باشد. این دستاورد با یافته‌های پژوهش‌های پیشین، مانند لی (۱۹۹۵)، بیگلیسر و دی رون (۲۰۰۶)، مارسون و عبدالله (۲۰۱۰) و لیارگوواس و اسکاندالیس (۲۰۱۲) همخوانی دارد. آزادسازی تجاری می‌تواند هزینه‌های ورود فناوری و صنایع پیشرفته به کشورها را کاهش دهد و از این طریق، احتمال شکل‌گیری سرمایه‌هایی با نرخ بازگشت مناسب بیشتر می‌شود. همچنین آزادسازی از طریق کاهش احتمال بروز فساد (الوانی، زرنندی و عرب‌سرخی، ۱۳۸۹)، امکان رقابتی‌شدن بازار را فراهم می‌کند و به همین دلیل شرکت‌ها و مؤسسه‌های اقتصادی برای دستیابی به بهره‌وری و کسب صرفه به مقیاس تلاش می‌کنند و از این طریق، سرمایه بین‌المللی جذب این فضا می‌شود. از سوی دیگر آزادسازی تجاری، بازارهای نوینی را برای سرمایه و کالای بین‌المللی شکل می‌دهد. در این زمینه همان‌گونه که داده‌های بانک جهانی نشان می‌دهد، طی چند سال گذشته میزان جذب سرمایه خارجی در کشورهای در حال توسعه به‌طور فزاینده‌ای رشد داشته است؛ زیرا اغلب این کشورها بازار داخلی گسترده‌ای دارند که برای سرمایه‌گذاران خارجی جذاب است.

از سوی دیگر، قیمت منابع اولیه و نیروی کار در کشورهای در حال توسعه نسبت به کشورهای توسعه‌یافته و صنعتی، کمتر است و در صورت آزادسازی تجاری، سرمایه‌گذاران ترجیح می‌دهند در این کشورها سرمایه خود را به گردش درآورند. با وجود چنین معادله‌هایی در زمینه چگونگی جذب سرمایه‌های مستقیم خارجی، به نظر می‌رسد آزادسازی تجاری در کشورهای در حال توسعه، می‌تواند برای کسب مزیت رقابتی ملی، راهبرد بازرگانی ملی شمرده شود. برای مثال، واردشدن به قراردادهای تجارت آزاد منطقه‌ای و بین‌المللی، می‌تواند جایگاه کشور را در زمینه جذب سرمایه‌های خارجی ارتقا دهد.

علاوه بر متغیر آزادسازی تجاری، نتایج پژوهش نشان داد اغلب ابعاد فضای کسب و کار نیز می‌توانند سطح سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی را پیش‌بینی کنند.

یافته‌های آزمون داده‌ها به روش GLS، نشان داد ابعاد «ثبات دارایی» و «انحلال کسب و کار» از تأثیر معناداری برای سطح سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی برخوردار نیستند. این یافته با پژوهش بلونینگن و پیگر (۲۰۱۱) همخوانی دارد؛ هرچند این پژوهشگران در دو متغیر زمان لازم برای

اجرای قراردادهای و آغاز کسب‌وکار نیز، تأثیر معناداری ندیدند. البته در پژوهش دیگر، موریس و عزیز (۲۰۱۱) رابطه معناداری را در «ثبات دارایی‌ها» با سطح سرمایه‌گذاری خارجی میان کشورهای آفریقایی و آسیایی گزارش کردند. از آنجا که ثبات دارایی‌ها بیشتر با هدف آسان کردن فرایند اخذ وام از بانک‌ها و مؤسسه‌های مالی داخلی صورت می‌گیرد، در زمینه جذب سرمایه‌های خارجی چندان کاربردی ندارد. فرایند ثبات دارایی اغلب به دنبال رسمی کردن اسناد غیررسمی کشور است؛ اما در تجارت بین‌المللی، شرکت‌ها از اسناد رسمی و معتبر استفاده می‌کنند و مدت زمان ثبات دارایی بر کسب‌وکار آنها چندان تأثیری ندارد. از این رو، سرمایه‌گذاران خارجی این مؤلفه را در معادلات خود وارد نمی‌کنند. در زمینه مؤلفه انحلال کسب‌وکار نیز می‌توان گفت به دلیل سیال بودن سرمایه بین‌المللی تحت تأثیر جهانی شدن، سرمایه‌گذاران خارجی چندان نگران مسئله زمان و هزینه‌های انحلال کسب‌وکار نیستند. به این ترتیب بر این مؤلفه نیز نمی‌توان برای جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی تأکید کرد.

بر اساس یافته‌های پژوهش، سایر ابعاد فضای کسب‌وکار، شامل هزینه‌های دریافت مجوز ساخت‌وساز، سادگی قراردادبستن، دریافت نیروی برق، هزینه‌های آغاز کسب‌وکار جدید، زمان لازم برای صادرات، زمان لازم برای واردات و هزینه‌های آماده‌سازی و پرداخت مالیات، در میزان ورود سرمایه‌های مستقیم خارجی در کشورهای آسیای جنوب غربی تأثیر معناداری می‌گذارد. از میان این ابعاد، هزینه‌های مجوز ساخت‌وساز، اجرای قرارداد، آغاز کسب‌وکار جدید و زمان لازم برای واردات، به صورت معکوس بر جذب سرمایه خارجی تأثیر می‌گذارند؛ به این معنا که هرچه هزینه‌های دریافت مجوز ساخت‌وساز کمتر باشد، سرمایه خارجی بیشتری به کشور وارد خواهد شد. این یافته‌ها با نتایج پژوهش‌های بلونینگ و پیگر (۲۰۱۱) و جاباسوریا (۲۰۱۱) همخوانی دارد. سرمایه‌گذاران بین‌المللی به دنبال راهی برای ورود به محیط‌های اقتصادی هستند که در آن، دریافت مجوزهای ساخت‌وساز و تأسیس انبار از سادگی بیشتر و هزینه کمتری برخوردار باشد.

متغیر اجرای قراردادهای نیز با سطح سرمایه خارجی در کشورهای آسیای جنوب غربی رابطه منفی دارد. این یافته با نتیجه پژوهش بلونینگ و پیگر (۲۰۱۱) همخوانی ندارد؛ زیرا آنها اعلام کردند متغیر زمان لازم برای اجرای قراردادهای، برای پیش‌بینی سطح سرمایه‌گذاری خارجی اهمیتی ندارد.

آغاز کسب‌وکار جدید و هزینه‌های آن می‌تواند به طور معکوس بر میزان جذب سرمایه‌های خارجی اثرگذار باشد. کلاپر و همکاران (۲۰۰۶) نیز به نتایج مشابهی دست یافتند. برسگیان

(۲۰۰۸) هم اظهار کرد هزینه‌های زیاد کسب‌وکار می‌تواند بر بهره‌وری کل عوامل و بهره‌وری نیروی کار - که مد نظر سرمایه‌گذاران خارجی است - به صورت منفی تأثیر کند.

زمان لازم برای واردات آخرین متغیری است که به طور معکوس بر میزان جذب سرمایه‌گذاری خارجی تأثیر دارد. در همین راستا کورکوران و گیلاندرز (۲۰۱۴) دریافتند بخش زیادی از میزان جذب سرمایه‌های خارجی از طریق شاخص «سادگی تجارت برون‌مرزی» پیش‌بینی می‌شود. ضریب این مؤلفه (۰/۱۱۳-) نیز نشان می‌دهد یک واحد تغییر در رتبه واردات، می‌تواند نسبت به سایر مؤلفه‌های مدل، سرمایه خارجی بیشتری را جذب کشورها کند. موریس و عزیز (۲۰۱۱) نیز در این زمینه به نتایج مشابهی دست یافتند.

اما میان متغیرهای مستقل مدل، سه متغیر دریافت نیروی برق، زمان لازم برای صادرات و هزینه‌های آماده‌سازی و پرداخت مالیات، بر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی تأثیر مثبتی دارند. این یافته با نتایج پژوهش‌های قبلی همخوانی ندارد. از دیدگاه پژوهشگران پیشین، ارتقای رتبه در هر یک از مؤلفه‌های فضای کسب‌وکار، سبب جذب سرمایه خارجی بیشتری می‌شود؛ اما میان کشورهای آسیای جنوب غربی که مد نظر این پژوهش است، سه مؤلفه نام‌برده با سرمایه مستقیم خارجی جذب‌شده به کشور، رابطه مستقیمی برقرار می‌کنند. از بین این سه متغیر، مؤلفه زمان لازم برای صادرات، به دلیل ضریب تعیین‌کنندگی زیاد (۰/۱۵۵) بسیار شایان توجه است. همان‌گونه که پژوهش‌های پیشین، مانند کورکوران و گیلاندرز (۲۰۱۴) و موریس و عزیز (۲۰۱۱) نشان دادند، مسئله تجارت بدون مرز، می‌تواند بخش زیادی از سرمایه خارجی جذب‌شده را در مدل تبیین کند. پژوهش حاضر نیز نشان داد متغیرهای زمان لازم برای واردات و زمان لازم برای صادرات، در پیش‌بینی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ۲۳ کشور مد نظر پژوهش، بیشترین سهم را دارند؛ اما نکته شایان توجه در این زمینه، هم‌علامت‌نبودن این دو متغیر است. منفی بودن ضریب متغیر زمان لازم برای واردات نشان می‌دهد سرمایه‌گذاران خارجی بیشتر جذب کشورهایی می‌شوند که آزادسازی تجاری را در زمینه واردات اعمال کنند؛ به این معنا که فرایندهای واردات را ساده کنند و طول زمان واردات کالا را کاهش دهند. در مقابل، ضریب مثبت مؤلفه زمان لازم برای صادرات نشان می‌دهد کشورهایی که صادرات آسانی دارند برای سرمایه‌گذاران خارجی جذابیت زیادی ندارند. به نظر می‌رسد با توجه به روند مشاهده‌شده در زمینه جذب سرمایه خارجی در کشورهای در حال توسعه، یافته‌ها به این معنا باشد که هدف اصلی سرمایه‌گذاران خارجی، کسب بازارهای داخلی کشورهای جذب‌کننده سرمایه است. این گفته با نگاه انتقادی کوزووا (۲۰۱۰) و میسون و تامسیک (۲۰۰۲) همخوانی دارد؛ آنها معتقدند جذب این نوع سرمایه‌گذاری احتمالاً سبب به حاشیه رفتن سرمایه‌گذاران داخلی می‌شود. در واقع

هدف سرمایه‌گذاران خارجی، فروش محصولات به کشورهای است که بازار آنها اندازه و جذابیت مناسبی داشته باشد و از طریق آن بتواند دانش تولید و فناوری‌های‌شان را در قالب سرمایه به آن کشورها انتقال دهند.

با توجه به یافته‌های این پژوهش، ارائه مدل مناسب برای آزادسازی تجاری و بهبود فضای کسب‌وکار برای رونق کسب‌وکارها و جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی، مسئله‌ای ضروری شمرده می‌شود، اما به گفته پژوهشگران طی چند سال اخیر، سیاست‌گذاران و بازیگران این حوزه، مانند وزارتخانه‌های مسئول، مجلس شورای اسلامی و اتاق‌های بازرگانی، نگاه جامعی به این مسئله نداشتند (منوریان، ابویی اردکان، ایروانی و زندی‌منش، ۱۳۹۲). در واقع شاهد نوعی پراکندگی ناهمگرایی بین الگوهای این نهادها هستیم. برای دستیابی به نتایج مناسب در راستای جذب سرمایه‌های خارجی، باید مدل جامع و فراگیری از خط‌مشی‌گذاری در این حوزه وجود داشته باشد. هنگام استفاده از یافته‌های این پژوهش، باید محدودیت‌هایی را در نظر گرفت. بخشی از محدودیت‌ها به همزمان شدن بحران اقتصادی ۲۰۰۸ و ۲۰۰۹ اروپا و آمریکا با دوره زمانی اجرای این پژوهش بازمی‌گردد. آمار بانک جهانی نشان می‌دهد بحران‌های اقتصادی به شدت بر کاهش سرمایه‌گذاری خارجی تأثیر می‌گذارند. بر اثر بحران اقتصادی اخیر نیز، سطح سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در مقیاس جهانی بیش از ۵۰ درصد کاهش پیدا کرد؛ این در حالی است که سایر متغیرها مانند سطح آزادسازی تجاری و فضای کسب‌وکار، چنین تلاطمی را تجربه نکردند. از این رو، به نظر می‌رسد برای دستیابی به نتایج واقعی‌تر، باید اثر بحران اقتصادی بر میزان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی کنترل شود.

References

- Alvani, S.M., Zarandi, S. & Arab Sorkhi, A. (2011). Indicator of National Anticorruption Strategy of I.R. Iran. *Journal of Public Administration*. 2(4): 3-22. (in Persian)
- Baltagi, B.H., Demetriades, P.O. & Hook Law, S. (2009). financial development and openness: Evidence from panel data. *Journal of Development Economics*, 89(2): 285-296.
- Barseghyan, L. (2008). Entry costs and cross-country differences in productivity and output. *Journal of Economic Growth*, 13(2): 145-167.
- Bayraktara, N. (2013). Foreign Direct investment and Investment Climate. *Procedia Economics and Finance*. 5(4): 83- 92.
- Beck, T. (2002). Financial development and international trade: is there a link? *Journal of International Economics*, 57 (1): 107-131.

- Belloumi, M. (2014). The relationship between trade, FDI and economic growth in Tunisia: An application of the autoregressive distributed lag model. *Economic Systems*, 38(2): 269-287.
- Biglaiser, G. & DeRouen, K. (2006). Economic reforms and in flows of foreign direct investment in Latin America. *Latin American Research Review*, 41(1): 51-75.
- Blonigen, B. & Piger, J. (2011). *Determinants of Foreign Direct Investment*. NBER Working Paper 16704, Cambridge, MA: National Bureau of Economic Research.
- Breusch, T. & Pagan, A. (1980). The Lagrange multiplier test and its application to model specifications in econometrics. *Review Economics Studies*. 47 (1): 239-253.
- Bruhn, M. (2011). License to sell: the effect of business registration reform on entrepreneurial activity in Mexico. *The Review of Economics and Statistics*, 93(1): 382-386.
- Carlin, W. & Landesmann, M. (1997). From theory into practice? Restructuring and dynamism in transition economies. *Oxford Review of Economic Policy*, 13(2): 77-105.
- Cole, M.A. (2006). Does trade liberalization increase energy use? *Economics Letters*, 92(1): 108-112.
- Corcoran, A. & Gillanders, R. (2014). Foreign direct investment and the ease of doing business. *Review World Economics*, 42(1): 125-143.
- Eicher, T. (1999). Trade, development and converging growth rates: Dynamic gains from trade reconsidered. *Journal of International Economics*, 48(1): 179-198.
- Glass, A.J & Saggi, K. (2002). Intellectual property rights and foreign direct investment. *Journal of International Economics*, 15(4): 387-410.
- Gunther, J. (2002). FDI as a multiplier of modern technology in Hungarian industry. *Intereconomics*. 37 (5): 263-269.
- International Monetary Fund (1993). *Balance of Payments Manual*. 5th edition. Washington DC.
- Iwasaki, I. & Tokunaga, M. (2014). Macroeconomic Impacts of FDI in Transition Economies: A Meta-Analysis. *World Development*. 61(4): 53-69.
- Jayasuriya, D. (2011). *Improvements in the World Bank's ease of doing business rankings: Do they translate into greater foreign direct investment inflows?* Policy Research Working Paper 5787, Washington, DC: World Bank.

- Jena, P. R. & Grote, U. (2008). Growth-trade-environment nexus in India. *In: Proceedings of the German Development Economics Conference*, Zurich, Verein für Socialpolitik, Research Committee Development Economics. Available in: http://www.researchgate.net/publication/46458017_Growth-Trade-Environment_Nexus_in_India.
- Jensen, C. (2006). Foreign direct investment and economic transition: Panacea or pain killer? *Europe-Asia Studies*, 58(6): 881-902.
- Klapper, L., Laeven, L. & Rajan, R. (2006). Entry regulation as a barrier to entrepreneurship. *Journal of Financial Economics*, 82(3): 591-629.
- Kolstad, I. & Villanger, E. (2008). Determinants of foreign direct investment in services. *European Journal of Political Economy*, 24(2): 518-533.
- Kosova, R. (2010). Do foreign firms crowd out domestic firms? Evidence from the Czech Republic. *Review of Economics and Statistics*, 92(4): 861-881.
- Laus, R. (2009). When and Where Does Foreign Direct Investment. *Journal of International Business Studies*, 5 (1): 14-28.
- Lee, J. W. (1995). Capital goods imports and long-run growth. *Journal of Development Economics*, 48(1): 91-110.
- Liargovas, P. G. & Skandalis, K. S. (2012). Foreign Direct Investment and Trade Openness: The Case of Developing Economies. *Social Indicators Research*, 106(2): 323-331.
- Lucas, R. (1993). On the determinants of direct foreign investment: Evidence from East and Southeast Asia. *World Development*, 21(3): 391-406.
- MacDermott, R. (2007). Regional trade agreement and foreign direct investment. *North American Journal of Economics and Finance*, 18(1):107-116.
- Maddala, G. S. & Lahiri, K. (2006). *Introduction to Econometrics*. 4th Ed. New York: Wiley.
- Masron, T. & Abdullah, H. (2010). Institutional Quality as a Determinant for FDI Inflows: Evidence from ASEAN. *World Journal of Management*, 2(3): 115-128.
- Menyah, K., Nazlioglu, S. & Wolde-Rufael, Y. (2014). financial development, trade openness and economic growth in African countries: New insights from a panel causality approach. *Economic Modelling*, 37(2): 386-394.
- Misun, J. & Tomsik, V. (2002). Does foreign direct investment crowd in or crowd out domestic investment? *Eastern European Economics*, 40(2): 38-56.
- Monavarian, A., Abooye Ardekan, M., Iravani, M.J. & Zandimanesh, M.R. (2012). Designing a policy making model to improve the business environment of

- I.R.Iran, A grounded theory. *Journal of Public Administration*, 5(2): 125-142. (in Persian)
- Monavarian, A., Moghimi, M., Movahedi, M. & Hoseinzadeh, M. (2011). Explanation of Policy-making for SMEs Export Promotion with Using Grounded Theory Strategy. *Journal of Public Administration*, 4(11): 123-144. (in Persian)
- Morris, R. & Aziz, A. (2011). Ease of Doing Business and FDI Inflow to Sub-Saharan Africa and Asian Countries. *Cross Cultural Management: an international Journal*, 18(4): 400-411.
- Narayan, P.K. & Smyth, R. (2009). Multivariate granger causality between electricity consumption, exports and GDP: evidence from a panel of middle eastern countries. *Energy Policy*, 37(1): 229-236.
- Nasreen, S. & Anwar, S. (2014). Causal relationship between trade openness, economic growth and energy consumption: A panel data analysis of Asian countries. *Energy Policy*, 69: 82-91.
- Noorbakhsh, F., Paloni, A. & Youssef, A. (2001). Human capital and FDI inflows to developing countries: new empirical evidence. *World Development*, 29(9): 1593-1610.
- Pesaran, M.H. & Yamagata, T. (2008). Testing slope homogeneity in large panels. *Journal of Economics*, 142 (1): 50-93.
- Pesaran, M.H. (2006). Estimation and inference in large heterogeneous panel with a multifactor error structure. *Econometrica*, 74(4): 967-1012.
- Piwonski, K. (2010). *Does the 'Ease of Doing Business' In a Country Influence its Foreign Direct Investment Inflows?* Unpublished paper. Bryant University.
- Rajan, R. G. & Zingales, L. (2003), The Great Reversals: The Politics of Financial Development in the Twentieth Century. *Journal of Financial Economics*, 5 (2): 85-101.
- Sadorsky, P. (2011). Trade and energy consumption in the Middle East. *Energy Economics*, 33(5): 739-749.
- Sadorsky, P. (2012). Energy consumption, output and trade in South America. *Energy Economics*, 34 (2): 476-488.
- Salarzahi, H. & Ebrahimpour, H. (2011). Paradigms of Public Administration: From Traditional Public Administration to Good Governance. *Journal of Public Administration*, 4(9): 43-62. (in Persian)

- Seim, T. (2009). *FDI and openness: Differences in response across countries line*, Chr. Michelsen Institute. <http://www.nek.lu.se/ryde/NordicEcont09/Papers/seim.pdf>. Accessed 2 March 2010.
- Svaleryd, H. & Vlachos, J. (2002). Markets for risk and openness to trade: how they are related. *Journal of International Economics*, 57 (2): 369-395.
- The World Bank. (2013). Doing Business report. (2014). *Understanding Regulations for Small and Medium-Size Enterprises*. Available online at: <http://www.doingbusiness.org/reports/global-reports/doing-business-2014>.
- Trevino, L. J. & Mixon Jr., F. G. (2004). Strategic factors affecting foreign direct investment decisions by multi-national enterprises in Latin America. *Journal of World Business*, 39(3): 233-243.
- Trevino, L. J., Daniels, J. D., Arbelaez, H. & Upadhyaya, K. P. (2002). Market reform and foreign direct investment in Latin America: Evidence from an error correction model. *International Trade Journal*, 16(4): 367-392.
- UNCTAD. (2009). *Training manual on statistics for FDI and the operations of TNCs volume I FDI flows and stocks*. http://www.unctad.org/en/docs/diaeia20091_en.pdf. Accessed 1 March 2010.
- Vares, H., Parvandi, Y. & Ghasemi, R. (2012). Improving Doing Business in Order to Achieve Economic Vision of IRI 2025: An Employing Based on TOPSIS & Entropy Techniques. *Business Management*, 4(11): 128-138. (in Persian)
- WDI. (2007). *World Development Indicators*. The World Bank. USA: Washington DC.
- Young, A. (1991). Learning by doing and the dynamic effects of international trade. *Quarterly Journal of Economics*, 106(2): 369-405.